

Explaining the Principles of Governance-Based Groundwork for the Propagation of Morality and Spirituality: A Study Based on the Second Phase of the Revolution Statement*

 **Hadi Gholamzadeh**  / Ph.D. Student of Ethics, Imam Khomeini Educational and Research Institute
Gholamzadehh1@gmail.com

Hadi Hosseinkhani / Associate Professor, Department of Ethics, Imam Khomeini Educational and Research Institute
hosseinkhani.n@iki.ac.ir

Received: 2025/11/30 - **Accepted:** 2026/02/14

Abstract

The Second Phase of the Revolution Statement serves as a guiding light for the establishment of a new Islamic civilization, and elucidating its requirements can further illuminate the path of the Islamic system. Within this framework, the role of governance-based groundwork in propagating morality and spirituality in society is of paramount importance. This study seeks to identify and analyze the principles of such groundwork, guided by the main research question: "What principles must governance-based groundwork for the propagation of morality and spirituality in society adhere to?" The research method is descriptive-analytical and library-based, with data extracted and analyzed using a documentary approach. In the first step, potential principles were derived from the Second Phase Statement; then, they were evaluated, completed, and documented by referring to Qur'anic verses, authentic narrations (hadiths), and the statements of the Supreme Leader (Ayatollah Khamenei). The findings reveal six key principles: 1) active role-playing; 2) selection of qualified agents; 3) commitment to education/training; 4) synergy of effective factors; 5) consideration of the moral and spiritual consequences of activities; and 6) proportionality of preparatory activities. The results indicate that these principles provide an operational framework that can assist public policy planners and implementers in preserving Islamic identity and moving effectively toward the propagation of morality and spirituality.

Keywords: Governance-based groundwork, propagation of morality, propagation of spirituality, Second Phase of the Revolution Statement, governance principles.

* This paper was presented at the international conference "Islamic Humanities: In Commemoration of Allamah Mohammad Taqi Mesbah Yazdi."

تبیین اصول زمینه‌سازی حاکمیتی در راستای رواج اخلاق و معنویت؛ مطالعه‌ای مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب*

Gholamzadehh1@gmail.com

hosseinkhani.n@iki.ac.ir

هادی غلامزاده  / دانشجوی دکتری اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*

هادی حسین‌خانی / دانشیار گروه اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ - پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، چراغ راهی برای برپایی تمدن نوین اسلامی است که تبیین الزامات آن می‌تواند مسیر حرکت نظام اسلامی را روشن‌تر کند. در این چارچوب، نقش زمینه‌سازی حاکمیت جهت رواج اخلاق و معنویت در جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. این مطالعه با پرسش اصلی «زمینه‌سازی حاکمیتی جهت رواج اخلاق و معنویت در جامعه متوقف بر پابندی به چه اصولی است؟» به دنبال شناسایی و تحلیل اصول زمینه‌سازی حاکمیتی در این حوزه است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای بوده و داده‌ها با استفاده از روش اسنادی استخراج و تحلیل شده‌اند. در گام نخست اصول احتمالی از بیانیه گام دوم استخراج شدند؛ پس از آن با استناد به آیات قرآنی، روایات معتبر و بیانات مقام معظم رهبری ارزیابی، تکمیل و مستند گردیدند. یافته‌های پژوهش شش اصل کلیدی را آشکار کرد: ۱. نقش‌آفرینی فعال؛ ۲. انتخاب کارگزاران دارای صلاحیت؛ ۳. اهتمام به تربیت؛ ۴. هم‌افزایی عوامل مؤثر؛ ۵. لحاظ پیامدهای اخلاقی و معنوی فعالیت‌ها؛ ۶. تناسب فعالیت‌های تمهیدی. نتایج نشان می‌دهد که این اصول چارچوبی عملیاتی فراهم می‌کنند که می‌تواند برنامه‌ریزان و مجریان سیاست‌های عمومی را در حفظ هویت اسلامی و حرکت مؤثر در مسیر رواج اخلاق و معنویت یاری دهد.

کلیدواژه‌ها: زمینه‌سازی حاکمیتی، رواج اخلاق، رواج معنویت، بیانیه گام دوم، اصول حاکمیتی.

بیان مسئله

بیانیه گام دوم انقلاب چراغ راه برپایی تمدن نوین اسلامی است. انجام پژوهش‌های مختلف ناظر به محورهای گوناگون آن، موجب روشن‌تر شدن مسیر ترسیمی بیانیه شده و به تبیین و بسط راهبردهای مربوطه کمک می‌نماید. رهبر معظم انقلاب در سرفصل «معنویت و اخلاق» راهبردهای رشد معنوی و اخلاقی جامعه را بیان کرده‌اند؛ از جمله آنها زمینه‌سازی حکومت جهت رواج اخلاق و معنویت در جامعه است: «[حکومت‌ها باید] زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، ص ۱۰). نقش تمهیدی حکومت جهت گسترش اخلاق و معنویت در جامعه از جهات مختلفی قابل بررسی است؛ از جمله چارچوبی که هر کنشی در این عرصه باید در آن چارچوب انجام گیرد. چنانچه خواهان آن باشیم که حاکمیت بتواند زمینه رواج اخلاق و معنویت را در جامعه به‌صورت درست و نتیجه‌بخش محقق سازد، تحقق این هدف متوقف بر پابندی به سلسله‌ای از الزامات و بایسته‌هاست. در این پژوهش تلاش شده است تا آن الزامات و بایسته‌ها که از آن با عنوان «اصول زمینه‌سازی حاکمیتی» یاد می‌کنیم روشن گردد.

پرسش اصلی پژوهش این است که زمینه‌سازی حاکمیتی جهت ترویج اخلاقی و معنویت در جامعه متوقف بر پابندی بر چه اصولی است؟ بر این اساس، هدف این پژوهش آن است که روشن کند زمینه‌سازی مطلوب حکومت جهت رواج اخلاق و معنویت در جامعه، با حرکت در چارچوب کدام اصول محقق خواهد شد.

در اهمیت ترسیم اصول می‌توان گفت - همان‌طور که در تعریف اصول خواهد آمد - اصول گزاره‌هایی تجویزی‌اند که به کنشگران خاطرنشان می‌کنند چگونه در عین پابندی و التزام به مبانی، در مسیر محقق ساختن اهداف، به‌درستی عمل نمایند.

گاهی طراحان و برنامه‌ریزان در ارائه طرح‌ها و برنامه‌های ناظر به عرصه‌های عملیاتی، راهکارها و روش‌هایی را ارائه می‌کنند که با مبانی و بینش‌های اساسی مکتب خودشان سازگار نیست. همچنین در مواردی کسانی که مسئول اجرایی کردن طرح‌ها و برنامه‌ها هستند، به دلیل فقدان درک صحیح نسبت به طرح‌ها، نمی‌توانند آن را به‌درستی اجرایی کنند. شناخت اصول و چارچوب حرکت می‌تواند به شکل‌گیری چشم‌اندازی بهتر در عرصه عمل به آنان کمک کند تا در نتیجه با قدرت و اطمینان در مسیر زمینه‌سازی ترویج اخلاق و معنویت گام بردارند.

علاوه بر آن، باید توجه کرد که انقلاب اسلامی ایران بر اساس هویت اسلامی شکل گرفته و به حیات خود ادامه می‌دهد. این هویت اسلامی باید در تمام کنش‌های حاکمیتی اعم از قانون‌گذاری‌ها، برنامه‌های اجرایی، راهکارها و روش‌ها و... حفظ شود، در غیر این صورت آن کنش حاکمیتی با هویت اسلامی نظام، ناسازگار خواهد بود. ترسیم اصول در عرصه‌های مختلف، می‌تواند تضمینی بر پابندی به هویت اسلامی نظام در عرصه مورد نظر باشد. بنابراین

ترسیم اصول زمینه‌سازی حاکمیتی رواج اخلاق و معنویت در جامعه، تأمین‌کننده پایبندی به هویت اسلامی در عرصه زمینه‌سازی جهت ترویج اخلاق و معنویت خواهد بود.

پیشینه پژوهش

بیانیه گام دوم انقلاب موضوع پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است. تعدادی از این پژوهش‌ها به بحث و بررسی اصول مسئله‌ای خاص پرداخته‌اند؛ از جمله این موارد: «تجزیه و تحلیل اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب» (گوهری مقدم و بیگی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۱-۳۲۰)؛ «مبانی و اصول رشد اخلاقی خانواده تراز تمدن نوین اسلامی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب» (شهریاری، ۱۴۰۲، ص ۲۱۳-۲۳۱)؛ «اصول و مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب» (موسی‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۱۱۳-۱۳۴)؛ «رویکردی قرآنی به اصول مهندسی تبلیغ عفاف و حجاب در دانشگاه‌های اسلامی با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب» (مستقیمی و مرتضوی، ۱۴۰۳، ص ۷۳-۹۴)؛ «اصول و مؤلفه‌های پژوهش تمدن‌ساز در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» (ولی‌زاده، مرندي و ولی‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۷-۳۰)؛ «اصول و مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب بر اساس بیانیه گام دوم با تأکید بر فساد و شفافیت» (دلجو قلعه‌جوقی، ۱۴۰۲، ص ۱۰-۲۴)، اما هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به بحث و بررسی اصول زمینه‌سازی حکومتی ترویج اخلاق و معنویت نپرداخته است.

همچنین تلاش شد تا با صرف‌نظر از پژوهش‌های ناظر به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به هر پژوهش دیگری که به دنبال ارائه اصول ناظر به زمینه‌سازی حاکمیتی رواج اخلاق و معنویت بوده است، دست یافته شود. نزدیک‌ترین پژوهش یافته‌شده به مسئله مورد نظر این مقالات است: «بررسی اصول مملکت‌داری و حکومت در نهج البلاغه و سیاست‌نامه (با تکیه بر اخلاق و مسئولیت‌های حاکمان)» (حیدری، ۱۳۹۷، ص ۶۳-۸۵)؛ «تبیین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی امام علی (ع) پس از رسیدن به امامت و حکومت» (سلطان‌محمدی و سلطان‌محمدی، ۱۳۹۱، ص ۹۱-۱۱۶)؛ «ضرورت مراعات اخلاق و رفتار اعتقادی کارگزاران حکومت دینی از منظر امیرالمؤمنین (ع)» (جلایی نوبری، ۱۳۹۹، ص ۱۵-۳۰). پس از بررسی پژوهش‌های مذکور روشن شد که مسئله هیچ‌یک از آنها با نگاه به نقش تمهیدی حاکمیت جهت ترویج اخلاق و معنویت انتخاب نشده و به دنبال ارائه اصول آن نبوده است.

روش پژوهش

شیوه گردآوری داده‌ها در این پژوهش، شیوه کتابخانه‌ای است. به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش اسنادی استفاده شده است. ابتدا با مراجعه به بیانیه گام دوم، اصول احتمالی فهرست گردید؛ سپس بر اساس فهرست مذکور به منابع دینی و نیز سایر بیانات مقام معظم رهبری مراجعه شد؛ پس از جست‌وجو در اسناد (متون دینی و بیانات معظم‌له) و یافتن متون مرتبط با مسئله مورد نظر، فهرست مذکور با اسناد مختلفی از آیات، روایات و بیانات معظم‌له مورد تحلیل قرار گرفت؛ در پایان فهرست نهایی اصول به همراه ادله مربوط به هریک تدوین گردید.

۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش معنای مورد نظر از واژگان «زمینه‌سازی»، «حاکمیت» و «اصول» ارائه خواهد شد.

۱-۱. زمینه‌سازی

«زمینه‌سازی» مترادف با تمهید و زمینه‌چینی است. شکل اسمی این واژه، یعنی «زمینه‌ساز» مرکب از دو کلمه «زمینه» و «ساز» است. «زمینه» به معنای اوضاع و احوال از پیش آماده برای وقوع یک رویداد یا انجام یک عمل است (صدری افشار، حکمی و حکمی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۱۳۵). «ساز» به جهت دستور زبانی به سه شکل اسم، صفت و پسوند کاربرد دارد که در ترکیب مورد نظر، پسوند است. از جمله معانی آن در شکل پسوندی «فراهم‌کننده» و «برپادارنده» است، مانند چاره‌ساز و انجمن‌ساز (صدری افشار، حکمی و حکمی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۱۶۸). بنابراین «زمینه‌ساز» عبارت است از هر آنچه اوضاع و احوال مناسب برای وقوع یک رویداد، وضعیت یا عمل را فراهم آورد. همچنین زمینه‌سازی را می‌توان این‌گونه معنا کرد: «عمل یا فرآیند آماده کردن وسیله‌های لازم یا اوضاع و احوال مناسب برای آغاز یک عمل یا فعالیت» (صدری افشار، حکمی و حکمی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۱۳۵).

۱-۲. حاکمیت

با مراجعه به لغت‌نامه‌های فارسی برای واژه «حاکمیت» می‌توان دو معنا یافت: ۱. وضع یا حالت فرمانروا بودن، مانند «حاکمیت قانونی» که حاکمیتی مبتنی بر قانون است؛ ۲. هیئت حاکم و به عبارتی دستگاه حکومت: «حاکمیت تاملی به ایجاد تنش اجتماعی ندارد» (صدری افشار، حکمی و حکمی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۷۸). همچنین برای واژه حکومت سه کاربرد معنایی می‌توان برشمرد: ۱. فرمانروایی مثل آنکه گفته می‌شود سلسله قاجار ۱۳۰ سال بر ایران حکومت کرد؛ ۲. دستگاه دولتی که بر یک کشور یا ناحیه فرمان می‌راند؛ ۳. نظام سیاسی مثل حکومت جمهوری (صدری افشار، حکمی و حکمی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۸۰۸). معنای دوم واژه حاکمیت مترادف با کاربرد دوم واژه حکومت است و مراد از حاکمیت در نوشتار حاضر نیز همین معناست.

۱-۳. اصول

اصول جمع اصل در لغت به معنای پایه و بنیاد است (صدری افشار، حکمی و حکمی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۸۰). اصول در شاخه‌های علوم انسانی به معنای گزاره‌هایی تجویزی است که راهنمای فعالیت‌ها در عرصه مدنظر هستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۱؛ شریعتمداری، ۱۳۶۹، ص ۱۱). اصول بیانگر آن‌اند که چگونه با پایبندی به مبانی می‌توان به اهداف مورد نظر رسید (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۶۷). البته هر گزاره تجویزی را نمی‌توان اصل قلمداد کرد. در برخی علوم کاربردی علاوه بر اصول، با گزاره‌های تجویزی دیگری نیز مواجه هستیم؛ مثلاً در تعلیم و تربیت «روش»‌ها نیز به عنوان گزاره‌های تجویزی معرفی می‌شوند که همانند اصول شامل دستورالعمل‌هایی به منظور دستیابی به اهداف هستند (باقری، ۱۳۸۴، ص ۶۴-۶۵).

اصول با سایر این گزاره‌ها تفاوت‌هایی دارند؛ اصول گزاره‌های تجویزی کلی هستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۶۷؛ شریعتمداری، ۱۳۶۹، ص ۱۱). پس اگر با گزاره تجویزی جزئی مواجه شدیم، نباید آن را «اصل» قلمداد کنیم. «اصل» شبیه معقول ثانی فلسفی است و بیانگر نحوه و چگونگی فعل است، اما روش به‌سان مفاهیم ماهوی است. این بدان معناست که روش مابازای خارجی دارد که همان فعالیت‌ها و کنش‌های عینی است، اما نمی‌توان یک فعالیت خاص را مابازای خارجی اصل دانست، بلکه اصل نحوه و چگونگی اجرای روش است (اعرافی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۳-۱۵۵). بنابراین می‌توان گفت اصول گزاره‌های تجویزی کلی‌اند که بیانگر نحوه عمل و چگونگی فعالیت‌های مربوطه هستند. تعبیر به کار رفته در توضیح اصل همچون «راهنما» (شریعتمداری، ۱۳۶۹، ص ۱۱)، «ملاک» و «مبنای عمل» (فرم‌هینی فراهانی، ۱۳۸۴، ص ۴۸) را می‌توان ناظر به «بیانگر نحوه و چگونگی فعالیت» بودن اصل دانست. بر همین اساس اصل بر روش حاکم است و روش در طول آن قرار می‌گیرد. اصول به کیفیت خاص اقدامات و فعالیت‌ها نظر دارد و از این منظر روش‌ها ذیل اصول قرار می‌گیرد (اعرافی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۳-۱۵۵).

۲. اصول زمینه‌سازی حاکمیتی رواج اخلاق و معنویت

بنابر آنچه در توضیح مفاهیم گفته شد، مراد از اصول زمینه‌سازی حاکمیتی رواج اخلاق و معنویت، رهنمون‌هایی تجویزی و کلی است که بیانگر چگونگی فعالیت‌های تمهیدی حاکمیت هستند. به عبارتی اصول ارائه‌کننده چارچوب و ساختاری‌اند که حاکمیت در راستای زمینه‌سازی جهت ترویج اخلاق و معنویت همواره باید آن چارچوب را مدنظر داشته باشد. در ادامه مهم‌ترین اصول زمینه‌سازی حاکمیتی ترویج اخلاق و معنویت در جامعه بیان می‌شود.

۲-۱. نقش‌آفرینی فعال

در نگاه دینی حاکمیت نسبت به وضعیت اخلاقی و معنوی جامعه دارای مسئولیت است (خمینی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۴-۵۵؛ خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۴/۰۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۱-۵۴). رهبر معظم انقلاب با استناد به آیه ۴۱ سوره حج، نخستین و مهم‌ترین وظیفه اهل ایمان را پس از تشکیل حکومت، اقامه احکام الهی و امر به معروف و نهی از منکر - که حیاتی‌ترین احکام در راستای ترویج اخلاق و معنویت است - می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۴/۰۷).

ایشان نوع نقش‌آفرینی در شرایط و حوادث مختلف در تمام عرصه‌ها، از جمله عرصه فرهنگ را به نقش‌آفرینی فعال، ابتکاری و مدبرانه در مقابل مواجهه انفعالی، واکنشی و سهل‌اندیشانه تقسیم می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳). توفیق در عرصه زمینه‌سازی و به تبع آن تعالی و رشد اخلاقی و معنوی جامعه، نیازمند حضور فعال، ابتکاری و مدبرانه حکومت در عرصه زمینه‌سازی جهت رواج اخلاق و معنویت است. هرگونه غفلت و انفعال در این حوزه می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه و حکومت اسلامی به دنبال داشته باشد. رهبر معظم انقلاب در مورد رشد معنوی و اخلاقی جامعه در بیانیه گام دوم فرموده‌اند:

این بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت و دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد، و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دورهٔ پیش رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود ان‌شاءالله» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۰).

حضرت علی علیه السلام در ابتدای حکم مأموریت‌شان به جناب مالک اشتر، وظایف اصلی او را در چهار محور بیان کرده‌اند: «جمع‌آوری خراج آن دیار (مصر)، پیکار با دشمنانش، پرداختن به اصلاح مردمانش و آباد ساختن شهرهایش» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۲۷). مقام معظم رهبری از آن چهار وظیفه این‌گونه تعبیر کرده‌اند: ۱. سامان‌دهی اقتصادی؛ ۲. برقراری امنیت؛ ۳. تربیت معنوی و اخلاقی مردم؛ ۴. ایجاد آبادانی و رفاه (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵). سپس در راستای تحقق محورهای فوق، حضرت علی علیه السلام قبل از بیان هرگونه دستور و رهنمونی جزئی، به‌صورت دستورالعملی کلی تأکید می‌کنند که کارگزار حکومت باید نسبت به تحقق اهداف مذکور اهتمام داشته باشد، هم به‌صورت عملی پیگیری نماید و هم در گفتار مطالبه نماید: «و اینکه خداوند سبحان را به قلب و دست و زبانش یاری کند» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۲۷). سپس آن حضرت ناظر به وظیفهٔ حاکم در قبال مسائل اخلاقی و معنوی جامعه‌خاطر نشان می‌کنند: «در بین مردم عیوب و زشتی‌هایی وجود دارد که تو از آنان مطلع نخواهی شد، این موارد را باید به خداوند متعال واگذار کرد، اما در مورد آنچه مطلع می‌شوی، باید به اصلاح آن بپردازی» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۲۹).

همچنین حضرت علی علیه السلام در بازگشت از صفین به جانشین و خلیفهٔ پس از خود، امام حسن علیه السلام نامه‌ای نوشتند. در نامه تأکید می‌کنند که امر به معروف و نهی از منکر را هم به‌صورت گفتاری و هم به‌صورت عملی باید پیگیری کرد. هرچند این کار بسیار دشوار و نیازمند جهادی حقیقی است، اما در این مسیر سرزنش و ملامت دیگران نباید موجب سستی شود، بلکه حرکت در این مسیر همانند شنا کردن و فرو رفتن در دریایی عمیق است؛ از این‌رو نیازمند به استقامت و پایداری و پرهیز از انفعال است:

به نیکی‌ها امر کن و خود نیکوکار باش، و با دست و زبان بدی‌ها را انکار کن، و بکوش تا از بدکاران دور باشی، و در راه خدا آن‌گونه که شایسته است تلاش کن، و هرگز سرزنش ملامتگران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد. برای حق در مشکلات و سختی‌ها داخل شو (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۳۹۲).

حضرت علی علیه السلام ورود جدی و حضور فعال حکومت در راستای صلاح و اصلاح مردم را لازم و ضروری می‌دانند، اما با توجه به سختی و دشواری این مسیر می‌فرمایند: «این امر محقق نخواهد شد، مگر با اهتمام و کوشش، یاری جستن از خداوند، کسب ظرفیت و توانایی روحی بر ملازمت با حق و در آخر صبر و پایداری» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳۳). نقش‌آفرینی فعال، ابتکاری و مدبرانه نیازمند آن است که کارگزار حکومت از فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود به بهترین شکل ممکن استفاده نماید: «با دانشمندان فراوان گفت‌وگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن که مایهٔ اصلاح شهرها و استواری پایه‌هایی است که مردم پیش از تو نیز به اتکای آن پایدار بوده‌اند» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳۱). قرآن کریم می‌فرماید: «آیا به کسانی نمی‌نگری که نعمت‌های خدا را تبدیل به کفر کردند و قوم خود را به سرای

هلاکت درآوردند؟» (ابراهیم: ۲۸). آری غفلت و نادیده گرفتن فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود، و به تعبیر قرآن کریم نعمت‌ها، در راستای صلاح و اصلاح جامعه، موجب سقوط و هلاکت زمامداران و جامعه خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۴۲).

اهتمام و حضور فعالانه حکومت در تعالی اخلاقی و معنوی جامعه، نه تنها در سخنان حضرت علی علیه السلام به وضوح بازتاب یافته است، بلکه آن حضرت پس از به دست گرفتن حکومت بیش از همه در این زمینه ورود داشته‌اند و با دیدن اینکه جامعه چگونه دچار انحراف، دنیاگرایی و پیروی از هوای نفس شده است، به درمان آن همت گمارده‌اند پیش از آنکه چنان نهاده‌ای شود که علاج آن ناممکن شود (سید رضی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۵-۴۶۶).

از مهم‌ترین وقایع صدر اسلام که مؤید اصل مورد نظر می‌باشد، پیمان مدینه است که پس از هجرت رسول‌الله صلی الله علیه و آله به مدینه نوشته شد و از آن با عنوان قانون اساسی دولت مدینه یاد شده است (حمیدالله، ۱۳۷۴، ص ۱۰۱ و ۱۰۶). این پیمان بیانگر روابط میان قبائل مدینه و کیفیت مدیریت این جامعه نوپاست. پیمان دربردارنده مفاد سیاسی، حقوقی، نظامی و اخلاقی مهمی است. وجود مفاد اخلاقی در چنین پیمان اساسی نشان‌دهنده اهمیت نهاده‌ای کردن اخلاق از ابتدای تشکیل جامعه و حکومت اسلامی است. از جمله مفاد اخلاقی این پیمان آن است که خطاب به هریک از گروه‌ها و قبائل مدینه در مجموع نه مرتبه تأکید شده است که هر گروه و قبیله‌ای «بر اساس نیکی و دادگری اسیران خود را آزاد کنند»، «مسلمانان یکدیگر را در پرداخت فدیة و خون‌بها تنها نگذارند»، «هریک از مؤمنان حتی فرودست‌ترین آنان می‌توانند به کافری پناه بدهد و دیگران باید به پناه او حرمت نهند». اهمیت اخلاقی این مورد در آن است که پناه دادن فرودست‌ترین مسلمان را هم‌سنگ پنهان دادن اشراف قرار داده است و این بر اساس اصل مساوات و برابری مؤمنین و تجلی آیه ۱۳ سوره حجرات است: «شما را به صورت شاخه‌ها و تیره‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید [نه آنکه به قوم و قبیله خود افتخار کنید]، همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست»، «هیچ‌کس نباید نسبت به هم‌پیمان خود پیمان‌شکنی کند»، «مجاهدان حاضر در میدان نبرد باید به نوبت به نبرد بپردازند». این مورد مبین ارزش اخلاقی مسئولیت‌پذیری، تقسیم کار و عدم اجحاف به بعض است (حمیدالله، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶-۱۱۰).

حاصل آنکه حکومت باید ناظر به ترویج اخلاق و معنویت به صورت فعالانه و مدبرانه ورود داشته باشد و از تمام امکانات و ظرفیت‌ها جهت زمینه‌سازی ترویج اخلاق و معنویت در جامعه استفاده نماید.

۲-۲. انتخاب کارگزاران دارای صلاحیت

اصل دوم، بیانگر سپردن و تصدی وظایف و مسئولیت‌ها بر اساس صلاحیت و اهلیت افراد است. قرآن کریم می‌فرماید: و به یاد آورید زمانی را که خدای ابراهیم او را به اموری گوناگون امتحان کرد و او همه را به‌جا آورد. خداوند فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: امامت در فرزندانم نیز هست؟ فرمود: عهد من به ستمگران نمی‌رسد (بقره: ۱۲۴).

بر اساس این آیه اعطای مقام امامت به حضرت ابراهیم^ع پس از آن است که آن حضرت صلاحیت آن را احرار کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۵). در نگاه دینی، صلاحیت تصدی مسئولیت‌ها به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. صلاحیت دینی و اخلاقی؛ ۲. صلاحیت تخصصی. ناظر به این دو دسته صلاحیت، امام صادق^ع می‌فرماید: «در نزد من تفاوتی ندارد که خائن را امین بر چیزی قرار دهم یا کسی که (به سبب ناتوانی) آن را تبه می‌کند (مُضِیْع)» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۹). مطابق این روایت، سپردن مسئولیت به فردی که فاقد صلاحیت دینی و اخلاقی (خائن) است، هم‌سنگ سپردن مسئولیت به فرد فاقد صلاحیت تخصصی (مُضِیْع) است. بنابراین انتخاب مسئولین و کارگزاران تنها با اتکای به صلاحیت تخصصی اشتباه است، بلکه هر اندازه به صلاحیت تخصصی توجه می‌شود، باید صلاحیت دینی و اخلاقی را نیز ملاک قرار داد.

حضرت علی^ع در نامه به مالک اشتر بر ضرورت توجه به هر دو قسم صلاحیات تأکید کرده‌اند:

سپس در امور کارگزاران حکومت دقت کن و آنان را پس از آزمایش به کار گیر، از راه هوی و هوس و خودرایی آنان را به کار مگمار؛ زیرا هوی و هوس و خودرایی جامع همه شعبه‌های ستم و خیانت است. از عمال حکومت کسانی را انتخاب کن که اهل تجربه و حیاند، و از خانواده‌های شایسته و در اسلام پیش قدم‌ترند؛ چراکه اخلاق آنان کریمانه‌تر، و خانواده ایشان سالم‌تر، و مردمی کم طمع‌تر، و در ارزیابی عواقب امور دقیق‌ترند (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳۵).

ویژگی‌هایی مانند «اهل تجربه» و «در ارزیابی عواقب امور دقیق‌تر» ناظر به صلاحیت تخصصی و «اهل حیا»، «اخلاق کریمانه‌تر» و «کم طمع‌تر» ناظر به صلاحیت اخلاقی است.

در نگاه حضرت علی^ع صلاحیت اخلاقی کارگزاران صلاحیتی سلبی و ایجابی است؛ یعنی ملازم با وجود فضائل اخلاقی و درعین‌حال نبود رذائل است. به‌عنوان مثال، آن حضرت بر وجود صفات ذیل تأکید دارند:

«با پرهیزگاران و راستگویان پیبوند» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳۰)، «تقوای الهی، مقدم داشتن طاعت خدا بر دیگر کارها، پیروی از آنچه در کتاب خدا آمده» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۲۷) و «نفس خود را از شهوات بازدارد و هنگام سرکشی‌ها آن را رام کند» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۲۷). درعین‌حال بر نبود صفاتی دیگر در کارگزاران تأکید می‌کنند: «در مشورت کردن بخیل... و ترسو... و حریص دخالت مده...؛ چراکه بخل، ترس و حرص غرائز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خداست» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳۰) و «بدترین وزیران تو کسانی هستند که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنان شرکت داشته‌اند» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳۰)

حضرت علی^ع در پایان علت تأکید فراوان خود بر این ویژگی‌های سلبی و ایجابی یا همان صلاحیت اخلاقی را این‌گونه بیان می‌کنند که: «بی‌تفاوتی نسبت به صلاحیت اخلاقی موجب تشویق و ترغیب بدکاران بر بدی و سرخوردگی درستکاران نسبت به‌درستی خواهد شد» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳۰-۴۳۱). از همین‌رو بر حکومت لازم است تا نسبت به صلاحیت اخلاقی کارگزاران توجه جدی داشته باشد تا با اشغال مناصب توسط ناهلان زمینه تضعیف

ارزش‌های اخلاقی و معنوی ایجاد نشود. در مقابل، با حضور افراد برخوردار از صلاحیت‌های اخلاقی در مناصب حکومتی، زمینه ترویج ارزش‌ها فراهم گردد. آن حضرت در روایتی دیگر این تأثیرگذاری را این گونه بیان کرده‌اند: «مردم به فرمانروایان خود شبیه‌ترند تا به آبا و اجداد خویش» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۴۶).

۲-۳. اهتمام به تربیت

اصل اول متضمن این معنا بود که حکومت نسبت به وضعیت اخلاقی و معنوی جامعه داری مسئولیت است. با توجه به چنین مسئولیتی حکومت باید ناظر به تمام عرصه‌های تأثیرگذار بر اخلاق و معنویت به صورت فعال و مدبرانه نقش آفرینی کند، اما اصل سوم متضمن این معناست که عوامل و نهادهای تربیتی با توجه به نقش حیاتی و بی‌بدیلی که بر اخلاق و معنویت دارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴؛ ۱۳۸۵/۰۲/۱۲؛ ۱۳۸۹/۰۲/۱۵؛ ۱۳۸۵/۰۲/۲۶)، مهم‌ترین عرصه‌هایی هستند که حاکمیت باید در زمینه‌سازی جهت رواج اخلاق و معنویت بر آنها تمرکز کند. حاکمیت باید زمینه‌سازی را به صورت ویژه ناظر به عوامل و نهادهای اساسی تربیتی از ابتدایی‌ترین سنین تربیت‌پذیری به صورت عمومی و دربرگیرنده تمام افراد جامعه پیگیری نماید.

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی را هم در چله اول انقلاب و هم پس از آن، یعنی گام دوم انقلاب «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» معرفی کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، ص ۱۰). این سه اهداف جدای از هم نیستند، بلکه بیانگر یک سیر هستند؛ سیری که از خودسازی که همان تزکیه و تربیت افراد است شروع می‌شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۲/۲۱؛ ۱۳۹۱/۰۳/۲۹؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۱؛ ۱۳۸۶/۰۲/۲۵؛ ۱۳۸۰/۰۲/۱۶) و نتیجه آن جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود؛ یعنی جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی متوقف است بر انسان‌سازی و تربیت.

قرآن کریم در کنار رساندن قرآن و تعلیم آن، یکی دیگر از وظایف حضرت پیامبر ﷺ را تزکیه و تربیت انسان‌ها معرفی می‌کند: «خداوند بر اهل ایمان منت گذاشت که از بین آنها پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات الهی را برای آنها بخواند و آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ گرچه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند» (آل عمران: ۱۶۴). آن حضرت به‌منظور محقق ساختن این اهداف از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. قرآن کریم نتایج مطلوب تلاش‌های آن حضرت را ایمان آوردن و حمایت و یاری کردن حضرت پیامبر ﷺ معرفی می‌کند. تجلی کامل ایمان و یاری کردن رسول الله ﷺ در بیعت با آن حضرت است که خود نقطه آغاز تشکیل جامعه اسلامی است:

ما تو را شاهد و بشارت‌دهنده و بیم‌رسان فرستادیم * تا شما به خدا و رسول او ایمان بیاورید و از او حمایت کنید و به او احترام گذارید و صبح و شام خداوند را تسبیح گوید * آنهایی که با تو بیعت کردند، در واقع با خدا بیعت نمودند، دست خدا بالای دست‌های آنهاست (فتح: ۸-۱۰).

در این مسیر، هدایت تک‌تک افراد دارای اهمیت است؛ از همین رو حضرت رسول الله ﷺ به حضرت امیرالمؤمنین

می‌فرمایند: «به خدا سوگند اگر یک نفر به‌دست تو هدایت شود، برای تو بهتر از آن چیزی است که خورشید بر آن می‌تابد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۴۳).

حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر بزرگ‌ترین چشم‌روشنی حکومت را برپایی عدل در بلاد و ظهور مؤدت بین مردم معرفی فرموده و سپس تحقق آن را در گرو سلامت قلب و باطن توده مردم معرفی می‌کند (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳۳) که خود در گرو تربیت و تحصیل فضائل اخلاقی است. گوشه‌ای از دستاوردهای یک جامعه و امت تربیت‌شده و برخوردار از فضائل برای حکومت در بیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از این قرار است: «همانا ستون دین، و جمعیت مسلمانان، و مهیاشدگان برای جنگ با دشمن توده مردم‌اند، پس باید توجه و میل تو به آنان باشد» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۲۹). به‌منظور تحصیل این آثار و برکات حاکم و حکومت در مسیر صلاح و اصلاح آحاد افراد، و به عبارتی به‌منظور تربیت جامعه، باید از تمام فرصت‌ها و ظرفیت‌ها همچون علما و حکما استفاده نماید (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳۱). علاوه بر ظرفیت‌های بیرونی باید ظرفیت‌های درونی خود را نیز در این مسیر قرار دهد: «مهربانی و محبت و لطف به رعیت را شعار قلب خود قرار ده» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۲۷).

در نگرش اسلامی توجه به تربیت اخلاقی و معنوی اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد. در شرایط جنگی که با توجه به ماهیت آن، اکثر مکاتب بشری چشم خود را بر روی اخلاق می‌بندند، حضرت علی علیه السلام به لشکریان خود چنین دستور می‌دهد:

با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند... اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده نکشید، و آن را که قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانید، و مجروحان را به قتل نرسانید. زنان را با آزار دادن تحریک نکنید؛ هرچند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۳۷۳).

حاصل آنکه بقای جامعه اسلامی و برپایی و دوام حکومت اسلامی متوقف است بر صلاح، اصلاح و تربیت آحاد افراد جامعه؛ از این‌رو بر حکومت لازم است تا نسبت به تربیت آحاد افراد جامعه اهتمام دائم داشته باشد.

سقوط اندلس نمونه‌ای عینی و عبرتی ماندگار در برابر دیدگان مسلمانان است. مسیحیان دریافته‌اند که توان غلبه نظامی بر مسلمانان را ندارند. آنان تلاش کردند با گستردن فساد، فحشا و بی‌بندوباری منشأ اصلی قدرت مسلمانان که نیروی ایمانی و معنوی جوانان بود را از بین ببرند. مسیحیان اقدام به ایجاد پارک‌های تفریحی برای جوانان مسلمان نمودند. دختران زیبا و عشوه‌گر را به این پارک‌ها گسیل می‌کردند تا با تحریک جوانان موجب انحراف آنان گردند. از سوی دیگر، مراکز مجلل عیش و نوش را به‌صورت شبانه‌روزی تأسیس کردند که زنان و دخترانی پیشخدمت آن بودند و به جوانان مسلمان به‌صورت رایگان خدمات می‌دادند. تنها در یک نمونه کشیشی مسیحی با خرید انگور باغ‌های شهر قُرطبه شراب می‌ساخت و آن را تنها در اختیار دانشجویان مسلمان قرار می‌داد. پاپ سالانه هزار سکه طلا جهت گسترش شراب‌خواری در بین مسلمانان اختصاص می‌داد (طالبی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۵۶۴). در این میان زمامداران مسلمان اندلس درگیر منازعه بر سر قدرت بودند؛ درنتیجه نسبت به انحراف و سقوط اخلاقی و معنوی

جامعه اسلامی هیچ توجهی نداشتند. نتیجه این وضعیت، سقوط اندلس به دست مسیحیان، زنده‌سوزی و کشتار بی‌رحمانه صدها هزار مسلمان و اخراج میلیون‌ها نفر دیگر از اندلس بود (طالبی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۷۸۶-۷۸۷). بنابراین مقصود از این اصل آن است که در عرصه زمینه‌سازی، تربیت اخلاقی و معنوی عمومی دارای اهمیت است. لازمه این امر آن است که حکومت باید زمینه‌های تربیت افراد را به‌ویژه ناظر به عوامل و نهادهای اساسی تربیتی مانند خانواده، آموزش و پرورش، رسانه، مسجد و... فراهم آورد.

۲-۴. هم‌افزاسازی عوامل

عوامل و نهادهای مختلفی بر وضعیت اخلاقی و معنوی جامعه اثرگذارند؛ از جمله مهم‌ترین آنها عوامل متعدد دخیل در امر تربیت هستند (بی‌ریا، آذربایجانی و کریمی، ۱۳۸۵، ص ۲۴-۲۵؛ حجتی، ۱۴۰۲، ص ۹۸-۱۵۰). نگاه تک‌عنصری و جزیره‌ای به هریک از عوامل موجب غفلت از تأثیر سایر عوامل و نهادهای شده و باعث می‌شود که فعالیت‌های مربوطه، نتایج مورد نظر را در پی نداشته باشد. به‌عنوان مثال، تصویب قوانین و تنظیم برنامه‌های اجرایی ناظر به خانواده، بدون نظر داشت به تأثیرات رسانه، نتیجه‌ای متفاوت از قوانین و طرح‌هایی که با نظر داشت به تأثیرات رسانه تنظیم شده‌اند، خواهد داشت؛ از این‌رو باید تلاش شود تا فعالیت‌های تمهیدی بر اساس هم‌افزاسازی عوامل و نهادهای مختلف تنظیم شود. قرآن کریم در خصوص توجه به تعاضد و هم‌افزایی می‌فرماید: «بر نیکی و پروا پیشگی همیاری کنید و بر گناه و دشمنی همیاری نکنید و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است» (مائده: ۲).

در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه، حضرت علی علیه السلام به بیان حقوق و مسئولیت‌های متقابل حاکم و مردم می‌پردازند. آن حضرت بیان می‌کنند که چنانچه هر گروه مسئولیت خود را کامل انجام دهد، حق عزت می‌یابد، روش‌های دینی برپا می‌گردد، نشانه‌های عدالت برقرار می‌شود و سنت‌ها جاری و ساری خواهد شد؛ در نتیجه روزگار اصلاح می‌شود و دشمنان ناامید می‌شوند. چنانچه یک گروه در انجام وظایف خود کوتاهی کنند، اختلاف سر برمی‌آورد، ستم، نیرنگ، تبعیت هوی، ترک سنت‌ها، تعطیلی احکام الهی و بیمارهای باطنی جامعه را فرامی‌گیرد. سپس حضرت راهبرد حصول آن نتایج مطلوب و جلوگیری از پیامدها مذکور را چنین معرفی می‌فرماید: «بنابراین بر شماس که یکدیگر را نصیحت کنید، و نیکو همیاری کنید» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۳۳۴). حضرت در ادامه تصریح می‌فرمایند که: «هیچ‌کس حتی فضیلت‌مندترین افراد، در انجام مسئولیت خود بی‌نیاز از تعاون و همیاری نیست» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۳۳۴). اینکه آن حضرت حصول آن نتایج مطلوب را به تناصح و تعاون گره زده و امر به تناصح و تعاون کرده‌اند، و تمام این مباحث را در فضای رابطه حکومت - مردم بیان کرده‌اند، مفید این مطلب است که حکومت نه تنها موظف به تناصح و تعاون است، بلکه باید زمینه تعاون سایر ارکان و اصناف را به وجود آورد و به عبارتی بر اساس اصل هم‌افزاسازی عوامل حرکت نمایند.

از سوی دیگر، حاکمیت نیز شامل نهادها و بخش‌های مختلفی است که هر کدام برخوردار از وظایف و اختیاراتی هستند. بخش‌های مختلف حاکمیت در راستای زمینه‌سازی جهت ترویج اخلاق و معنویت باید به صورت یکپارچه و سازگار عمل نمایند. رهبر معظم انقلاب در بیاناتش به ضرورت این امر توجه داده‌اند: «قانونی که تصویب می‌شود برای اجرا شدن است، به همین دلیل باید از ابتدا امکان اجرایی شدن قانون، بر اساس شرایط گوناگون، اقتضائات کشور و نگاه کلی، اصولی و همه‌جانبه ملاحظه شود و مدنظر قرار گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۲/۰۵). مطابق این بیانات معظم‌له، قوه مقننه نباید فقط به انجام وظیفه خود که قانون‌گذاری است توجه داشته باشد، بلکه باید نسبت به سایر بخش‌های حاکمیت که اجرای قانون مورد نظر وظیفه آنهاست، توجه داشته باشد؛ یعنی توجه داشته باشد قانون را به نحوی تصویب نماید که قابل اجرا و عملیاتی شدن به وسیله بخش‌های مربوطه باشد. بنابراین جهت دیگر اصل هم‌افزایی، هم‌افزایی بخش‌ها و ارکان مختلف حاکمیت است.

نگاه فرابخشی به هر مسئله و نیز توجه به تعدد و تفاوت عوامل، موجب خواهد شد تا فعالیت‌های تمهیدی حاکمیتی از واقع‌بینی، تناسب و جامعیت بیشتر و بهتری برخوردار گردد. از جمله نتایج توجه به چنین اصلی، آن است که وظایف و کارکردهای هر نهاد و بخشی به درستی ترسیم می‌شود؛ در نتیجه از یک سو از تداخل و تعارض فعالیت‌ها جلوگیری خواهد شد و از سوی دیگر متولی هر کاری مشخص خواهد بود و این مانع بر زمین ماندن کارها می‌شود. حضرت علی^{علیه السلام} در بازگشت از صفین در نامه‌ای خطاب به امام حسن^{علیه السلام} می‌فرمایند: «کار هر کدام از کارکنان را معین کن که او را در برابر آن کار مسئول بدانی؛ زیرا تقسیم درست کار سبب می‌شود کارها را به یکدیگر وانگذارند، و در خدمت سستی نکنند» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۰۵).

سازوار با این اصل، فعالیت‌های تمهیدی حاکمیت باید به تعدد عوامل توجه داشته باشد و بر اساس ایجاد تعاضد و هم‌افزایی عوامل و نهادهای مؤثر در رواج اخلاق و معنویت ترسیم گردد.

۲-۵. لحاظ پیامدهای اخلاقی و معنوی

هر کنش حاکمیتی، ناظر به هر عرصه‌ای اعم از اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... می‌تواند پیامدهای اخلاقی و معنوی برای جامعه در پی داشته باشد. این امر علاوه بر شواهد دینی (احزاب: ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۴۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۷ و ج ۵، ص ۷۱) بارها در حکومت‌های مختلف به تأیید تجربه رسیده است (Lindbeck, 2006, p. 4 & 15; Laidler, 2016, p. 39-41؛ تبسم، ۱۳۹۸، ص ۸).

مراد از این اصل آن است که در تمام کنش‌های حاکمیتی، باید پیامدهای اخلاقی و معنوی آن بر جامعه لحاظ گردد. از همین رو رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

شما هر قانونی بگذارید، مربوط به حمل و نقل جاده‌ای باشد، مربوط به گمرک باشد، مربوط به اقتصاد باشد، مربوط به سیاست خارجی باشد، هرچه باشد، یک آثار تربیتی و اخلاقی هم دارد، به این جنبه از قانون توجه بشود (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳).

حضرت علی علیه السلام در پاسخ به عاصم بن زیاد که در مورد علت زندگی فقیرانه حضرت پرسیده بود، فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ الْعَدْلَ [الحَقَّ] أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ»؛ خداوند بر پیشوایان حق واجب فرموده که خود را با مردم ناتوان برابر و همسان قرار دهند تا فقر فقیر را به بغی و طغیان نکشاند (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۳۲۵). روایت فوق از جهت عبارات به کار رفته در آن، درخور توجه است. در این روایت از یک سو تعبیر «أُمَّةٌ عَدْلٌ» (یا حق) به کار رفته است و از سوی دیگر از ماده «بَغَى» استفاده شده است. برای ماده «بَغَى» این معانی ذکر شده است: «ظلم» (فراهِیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۵۳)، «شدت طلب چیزی به ناحق» (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۲۲۷) و «تجاوز از حق به سوی باطل» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱۳۶)؛ همچنین گفته شده است که «بَغَى عَلَيْنَا فُلَانٌ»، یعنی «بر ما شورید از روی ظلم و ایذا» (زمخشری، ۱۹۷۹م، ص ۴۶). حضرت علیه السلام از تعبیری همچون «قیام» و یا حتی «خروج» استفاده نکرده است؛ زیرا این تعبیر شامل هر خیزش و حرکت نظامی می شود؛ خواه به حق باشد و خواه به ناحق. تعبیر «أُمَّةٌ عَدْلٌ (حق)» بیانگر آن است که فرض در حکومت حق و به عبارتی حکومت الهی است. قیام و پیکار با چنین حکومتی ضد حق و غیرمجاز است؛ از همین رو «بَغَى» خواهد بود. وظیفه مردم نسبت به حاکم حق و حکومت الهی، حمایت و تقویت آن است و سلامت دینی و معنوی آنان در گرو ارتباط درست با حکومت الهی است. قرار گرفتن در مقابل حکومت الهی موجب انحراف دینی و معنوی و شقاوت خواهد شد همانند آنچه بر سر خوارج آمد.

نکته درخور توجه در روایت آن است که حضرت به دنبال بیان آن نیست که مردم و جامعه حق ندارند نسبت به حکومت حق، بغی و خروج کنند، بلکه حضرت وظیفه حاکم و حکومت را در این زمینه بیان می فرماید. اینکه خداوند بر پیشوایان حق واجب و لازم کرده است به نحوی زندگی کنند که موجب بغی و در نتیجه سقوط دینی و معنوی و شقاوت فقرا و به طور کلی مردم جامعه خود نشوند. حکومت و کارگزار آن باید از چنان عاقبت اندیشی و پیامدسنجی برخوردار باشد که نه تنها تمام کنش های حاکمیتی خود در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی، قضایی و... را از این جهت مورد توجه قرار دهد، بلکه باید ساحت شخصی زندگی خود را هم بر این اساس سامان دهد.

حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر خاطر نشان می کند که حاکم نیاز دارد تا به مردم خود حُسن ظن داشته باشد و بتواند بر آنان اعتماد کند. امکان اعتماد و حُسن ظن به مردم باعث می شود که بسیاری از سختی ها و دشواری ها از دوش حاکم و حکومت برداشته شود. از جمله اموری که موجب ایجاد این حُسن ظن و اعتماد می شود، آن است که حاکم نسبت به مردم خود نیکی کند، هزینه ها را بر دوش آنان سبک کند و هزینه اضافی بر عهده آنها تحمیل نکند (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳۱). این بیان به خوبی نشان می دهد که چگونه کنش های مختلف حاکمیت، از جمله تصمیمات اقتصادی آن، می تواند بر مردم و جامعه اثر بگذارد؛ به نحوی که یا جامعه ای قابل اعتماد و اخلاقی بسازد؛

جامعه‌ای که حکومت با اطمینان بتواند انجام و پیش‌برد بخشی از امور را به آن واگذار کند، یا جامعه‌ای غیرقابل اعتماد که حاکمیت از سستی و اهمال، مسئولیت‌ناپذیری و حتی خیانت آنان در امان نباشد. یکی از اموری که می‌تواند موجب تضعیف اعتماد و از بین رفتن حُسن ظن مردم بشود، سهل‌انگاری در چگونگی برخورد و مواجهه با نیکوکار و بدکردار است. سهل‌انگاری در این عرصه موجب تضعیف ارزش‌ها و تقویت ضدارزش‌ها خواهد شد: «نیکوکار و بدکار در برابرت یکسان نباشند که این کار نیکوکار را در انجام کار نیک بی‌رغبت، و بدکار را در بدی ترغیب می‌کند، هر کدام را متناسب با کارشان پاداش بده» (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳۰).

در ادامه حضرت ﷺ ناظر به شیوه مدیریت و روش‌های انجام امور، دو دستور بسیار مهم را به مالک اشتر تذکر می‌دهد: اولاً به هیچ عنوان نباید سنت نیکی که موجب اُلفت مردم و اصلاح جامعه شده را از بین بُرد؛ ثانیاً نه تنها مستقیماً نباید چنین سنت‌هایی را از بین برد، بلکه باید از ایجاد و اجرای هر روش و کنشی که موجب آسیب دیدن آن سنت‌های صالحه می‌شود، به شدت پرهیز کرد (سید رضی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳۱). عمومیت دستور دوم، مؤید اصل پیامدسنجی است. حاکم و حاکمیت در تمام تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها، ناظر به ساحت‌های مختلف باید به تأثیرات آن بر وضعیت اخلاقی و معنوی جامعه توجه داشته باشد.

۲-۶. تناسب فعالیت‌های تمهیدی

فعالیت‌های تمهیدی حاکمیت در راستای رواج اخلاق و معنویت از تنوع و گوناگونی برخوردارند. این تنوع از یک جهت، حاصل تفاوت کارکردها و وظایف بخش‌ها و نهادهای مختلف حاکمیتی است؛ مثلاً در دسته‌بندی کلی می‌توان زمینه‌سازی را تقسیم به تقنینی، اجرایی و قضایی کرد.

از جهتی دیگر، با توجه به سنخ فعالیت‌های تمهیدی، زمینه‌سازی قابل تقسیم به سلبی و ایجابی است. از باب نمونه کنش‌های متعدد رسول‌الله ﷺ در مقابله با اشرافی‌گری و گفتمان‌سازی مبتنی بر آیه ۱۳ حجرات: «همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست»، گاه سلبی و گاه ایجابی بوده است. یکی از مصادیق ایجابی موردی است که یکی از بردگان آزادشده قبیله بنی‌بیاض، خواهان ازدواج با دختری از آن قبیله بود. رسول‌الله ﷺ به آنان فرمود دختر را به عقد وی درآورند. آنان اعتراض کردند که آیا دختران خود را به عقد موالی خود درآوریم؟ حضرت در پاسخ آیه فوق را خواندند (عنایه، ۱۴۱۱ق، ص ۳۵۸-۳۵۷). همچنین عدم پذیرش تشکیل جلسه‌ای اختصاصی برای اشراف و ثروتمندان، بدون حضور فقیران را می‌توان مصداق زمینه‌سازی سلبی دانست (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۷۱۸).

از جهت سوم - همان‌طور که در اصل چهارم گفته شد - عوامل تأثیرگذار بر وضعیت اخلاقی و معنوی جامعه، مختلف و متنوع‌اند و هریک دارای شرایط، ویژگی‌ها و اثرات خاصی هستند. توجه به این سه جهت ما را به اصل «تناسب» رهنمون می‌سازد. مطابق با اصل تناسب، فعالیت‌های تمهیدی که از سوی حاکمیت جهت ترویج اخلاق و

معنویت انجام می‌شود، باید متناسب با عرصه مورد نظر و شرایط و ویژگی‌ها آن باشد، در غیر این صورت توفیق چندانی نخواهد داشت و حتی در مواردی ممکن است تبعات منفی داشته باشد.

به‌عنوان مثال، در زمینه‌سازی ناظر به رسانه، در کنار وجود رویکرد حمایتی که عمده‌تاً ذیل زمینه‌سازی اجرایی جای می‌گیرد، وجود رویکرد نظارتی از اهمیت بسیاری برخوردار است. نظارت بر رسانه در مواردی مستلزم تعریف نقش برای قوه قضاییه و به تعبیری زمینه‌سازی قضایی خواهد بود. چنانچه حاکمیت نسبت به رسانه رویکرد صرفاً حمایتی اتخاذ نماید و رویکرد نظارتی را کاملاً کنار بگذارد، پیامدهای بسیاری به وجود خواهد آمد. انتشار اطلاعات نادرست، شایعات و اخبار جعلی، تضعیف اعتماد عمومی به رسانه‌ها و کاهش کیفی و محتوایی تولیدات رسانه‌ای از جمله این پیامدها خواهد بود. نتیجه این پیامدها سوق پیدا کردن مردم به تولیدات رسانه‌ای بیگانه و در نهایت تضعیف ارزش‌های اخلاقی و معنوی در جامعه خواهد بود.

در مورد آموزش و پرورش با توجه به اینکه این نهاد تحت مدیریت مستقیم حکومت است، حکومت از بسط ید حداکثری برخوردار است؛ یعنی علاوه بر رویکرد حمایتی و نظارتی، حکومت می‌تواند در سیاست‌گذاری بر آن، هم از حیث ساختار و هم محتوا دخالت نماید؛ از این رو حکومت نسبت به آموزش و پرورش در قیاس با رسانه بیشترین امکان زمینه‌سازی را دارد.

در قیاس با رسانه و آموزش و پرورش، حکومت ناظر به خانواده کمترین بسط ید را دارد؛ زیرا برخلاف رسانه نظارت بر خانواده بسیار محدود است. در این عرصه بیشترین فعالیت‌های تمهیدی حکومت، حمایتی و یا فرهنگ‌سازی و ترویج خواهد بود. به‌عنوان مثال، رهبر معظم انقلاب، فرهنگ غربی را برای خانواده خطرناک و نابودکننده معرفی می‌کنند. متناسب با این مطلب، فعالیت متناسب حاکمیت در این عرصه، تدوین و ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی بر اساس فرهنگ بومی خواهد بود. مقام معظم رهبری در این باره فرموده‌اند:

من ملاحظه کردم بعضی از قوانین مربوط به خانواده که در مجلس مطرح است و بحث می‌شود یا تصویب می‌شود، انسان احساس می‌کند که تحت تأثیر و اثرپذیری از رسوم غربی است، از این باید اجتناب بشود. غربی‌ها نسبت به خانواده هیچ‌گونه اهمیتی ندارند، نه اینکه نخواهند، [بلکه] شرایط و سبک زندگی غربی معارض با خانواده به معنای واقعی کلمه است... حالا ما بیابیم چیزهایی را که اینها مثلاً راجع به زن و جوان و فرزند و پدر و مادر و مانند اینها در عرف خودشان دارند، در مسائل مربوط به خانواده راه بدهیم! نه، این مطرح نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰).

حاصل آنکه متناسب با اصل مورد نظر، فعالیت‌های زمینه‌سازانه حاکمیت باید از تناسب برخوردار باشد. این تناسب هم ناظر به نهاد و دستگاه مربوطه است؛ یعنی هریک از ارکان حکومت متناسب با وظایف، اختیارات و امکانات خود، به بهترین وجه نقش خود را ایفا کنند؛ از سوی دیگر، در تمام فعالیت‌ها، عرصه مورد نظر و شرایط و اقتضائات آن، باید به دقت مورد توجه قرار گیرد و متناسب با شرایط و ویژگی‌های آن عرصه اقدام بشود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هنگامی که برای شخص یا نهادی مسئولیتی تعریف می‌شود؛ به این معناست که اهدافی متناظر با آن مسئولیت برای او تعیین شده است. تحقق هدف در گرو انجام فعالیت‌های متناسب است؛ یعنی تنها با انجام فعالیت‌های مشخص می‌توان آن هدف را محقق کرد نه هر فعلی. بنابراین تعیین و انجام کنش‌های متناسب باید بر اساس سلسله قواعدی باشد که بر اساس آن قواعد بتوان درستی فعالیت‌ها را تضمین کرد. این قواعد همان «اصول» هستند؛ زیرا اصل گزاره‌ای تجویزی است که بر چگونگی انجام کار و فعالیت ناظر به هدفی مشخص تأثیر می‌گذارد. از آنجاکه در نگرش اسلامی حکومت نسبت به رواج اخلاق و معنویت در جامعه مسئول است، اصول زمینه‌سازی حاکمیتی رواج اخلاق و معنویت نیز همین کارکرد را دارند؛ یعنی چگونگی فعالیت‌هایی که از سوی حاکمیت به‌منظور زمینه‌سازی جهت رواج اخلاق و معنویت در جامعه انجام می‌شود را روشن می‌کنند. از جمله این اصول آن است که نهادهای مختلف حاکمیتی باید ناظر به وضعیت اخلاق و معنویت در جامعه به نحو فعالانه نقش ایفا کنند؛ یعنی در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، تدوین طرح و برنامه‌های عملیاتی و... فعال، ابتکاری و مدبرانه عمل کنند، نه منفعل، واکنشی و سهل‌انگارانه. هرگونه انفعال و سهل‌انگاری در این عرصه می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره اخلاقی و معنوی جامعه وارد کند. حکومت به‌منظور انجام وظایف و کارکردهای مختلف، ناچار به استفاده از افراد است. آنچه در هر بخش تحقق کارکرد مورد نظر را تضمین می‌کند، برخورداری مسئولان مربوطه از دو دسته صلاحیات تخصصی و اخلاقی است. وجود صلاحیت اخلاقی در کارگزاران هر بخش علاوه بر اینکه با کارکرد درست همان بخش مرتبط است، تأثیری فراگیر بر عموم مردم جامعه هم می‌تواند داشته باشد، و آن تأثیری است که بر پایداری عموم جامعه به ارزش‌ها می‌گذارد. بنابراین اصل دوم مبین ضرورت توجه به صلاحیت اخلاقی کارگزاران است. جامعه متشکل از افراد است، و مظاهر و نمودهای عمومی جامعه، در واقع متأثر از اکثریت جامعه است. هنگامی که اکثریت افراد یک جامعه افرادی مهمان‌نواز باشند، به تبع نمود عمومی آن جامعه مهمان‌نوازی خواهد بود و آن جامعه در بین سایر جوامع به‌عنوان جامعه‌ای مهمان‌نواز شناخته خواهد شد. با توجه به این واقعیت، چنانچه حاکمان و زمامداران یک جامعه در پی ایجاد جامعه‌ای اخلاقی و معنوی باشند، ابتدا باید به دنبال تربیت و ساختن افراد اخلاقی و معنوی باشند؛ از این‌رو یکی از اساسی‌ترین مسائل، اهتمام به امر تربیت و در نتیجه تمرکز بر نهادها و عوامل تربیتی است. پس مفاد اصل سوم آن است که حکومت باید نسبت به تربیت اخلاقی و معنوی همه افراد جامعه اهتمام به خرج دهد. هرگاه تحقق امری متوقف بر اجتماع چندین علت باشد، به مجموع آن عوامل علت تامه و بر هریک به تنهایی علت ناقصه می‌گویند. ویژگی علت تامه آن است که تحقق امر مورد نظر به حصول علت تامه وابسته است؛ یعنی همه علل ناقصه باید به‌درستی و با شرایط صحیح حاصل شوند، در غیر این صورت، امر مورد نظر محقق نخواهد شد. به‌عنوان مثال، آب که مایع

حیات‌بخش است از ترکیب مولکولی (H_2O) تشکیل یافته است؛ یعنی علت تامه آب حاصل اجتماع دو اتم هیدروژن در کنار یک اتم اکسیژن است، اما چنانچه یک اتم اکسیژن دیگر به آن افزوده شود، حاصل آن هیدروژن پروکساید (H_2O_2) خواهد بود که نه تنها حیات‌بخش نیست، بلکه برای سلامتی مضر است. وضعیت اخلاقی و معنوی جامعه متأثر از عوامل مختلفی است. چنانچه حکومت به دنبال رواج اخلاق و معنویت در جامعه باشد، باید به تأثیرات تمام این عوامل توجه داشته باشد و شرایط را برای اثرگذاری مثبت آنها فراهم نماید. از جمله اموری که باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد، تأثیرات متقابلی است که آن عوامل می‌توانند بر یکدیگر بگذارند؛ چراکه این عوامل در شرایطی می‌توانند بر عملکرد یکدیگر تأثیر منفی بگذارند. از این رو است که از اصل چهارم با عنوان هم‌افزایی عوامل یاد می‌شود؛ یعنی در ضمن توجه به تأثیر مجموعی عوامل، باید عوامل را به نحوی سامان داد که خروجی مجموع آنها در کنار یکدیگر، اثرگذاری مثبت بر رواج اخلاق و معنویت باشد. مطابق اصل پنجم تمام کنش‌های حاکمیتی باید از جهت تأثیراتی که بر وضعیت اخلاقی و معنوی جامعه می‌گذارند مورد توجه و بررسی قرار گیرند. در اصل اول گفته شد که حکومت نسبت به رواج اخلاق و معنویت در جامعه مسئول است، پس باید در این عرصه به نحوی فعال نقش ایفا کند، اما اصل پیش رو متضمن آن است که فعالیت‌های حکومتی ناظر به دیگر مسئولیت‌های حکومت در عرصه‌های مختلف مانند اقتصادی، سلامت، نظامی و... نباید تأثیر منفی بر وضعیت اخلاقی و معنوی جامعه بگذارند. اهمیت این اصل به حدی است که حضرت علی علیه السلام مراعات آن را در عرصه فردی و شخصی زندگی زمامداران لازم شمردند. چنانچه مسئولان حکومتی بخواهند فعالیت‌های تمهیدی از تأثیرگذاری درست بر رواج اخلاق و معنویت برخوردار باشد، باید از متناسب بودن فعالیت‌های زمینه‌ساز اطمینان حاصل کنند. به عنوان مثال، در مواردی ممکن است رواج اخلاق و معنویت نیازمند تصویب قانونی خاص باشد، پس باید انجام بشود، اما در مواردی قوانین موجود برای تحقق مطلوب کفایت می‌کند، اما باین وجود این اتفاق محقق نشده است. این امر نشان می‌دهد که در بخشی دیگر مثلاً اجرا نقضی وجود دارد. در چنین شرایطی تصویب قوانین جدید فعالیت‌های نامتناسب خواهد بود. یا اینکه از میان عوامل مختلف، یک عامل دچار اشکال است؛ به نحوی که فعالیت سایر عوامل را متأثر می‌کند؛ مثلاً فضای مجازی حتی بر تأثیرات مثبت خانواده یا مدرسه سایه افکنده باشد، در چنین شرایطی اصل تناسب حکم می‌کند که باید به دنبال آسیب‌شناسی فضای مجازی و درمان آن رفت.

منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه (۱۳۸۷ق). تحقیق: صبحی صالح. بیروت: بی‌نا.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱). فقه تربیتی. تحقیق: سیدنفی موسوی. قم: اشراق و عرفان.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴). تگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: برهان.
- تبسم، ادريس (۱۳۹۸). جایگاه هم‌جنس‌گرایی از منظر حقوق اسلام و موضوعه غرب. *مطالعات علوم اجتماعی*، ۵(۴)، ۱۰-۱.
- جلائی نوبری، حسین (۱۳۹۹). ضرورت مراعات اخلاق و رفتار اعتقادی کارگزاران حکومت دینی از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام. *پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، ۱۸(۲)، ۳۰-۱۵.
- حجتي، سيدمحمدباقر (۱۴۰۲). اسلام و تعليم‌وتربيت. تهران: فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حمیدالله، محمد (۱۳۷۴). نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد صلی الله علیه و آله. ترجمه محمد حسینی. تهران: سروش.
- حیدری، غلامرضا (۱۳۹۷). بررسی اصول مملکت‌داری و حکومت در نهج البلاغه و سیاست‌نامه (با تکیه بر اخلاق و مسئولیت‌های حاکمان). *نشرپژوهی ادب فارسی*، ۲۱(۴۳)، ۸۵-۶۳.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. <https://farsi.khamenei.ir>.
- خامنه‌ای، سیدعلی. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۰۹ق). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- دلجو قلعه جوقی، محسن (۱۴۰۲). اصول و مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب بر اساس بیانیه گام دوم با تأکید بر فساد و شفافیت. *پایا شهر*، ۵(۵۰)، ۱۰-۲۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- زمخشری، محمد بن عمر (۱۹۷۹م). اساس البلاغه. بیروت: دار الصادر.
- سلطان‌محمدی، حسین و سلطان‌محمدی، فاطمه (۱۳۹۱). تبیین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی امام علی علیه السلام پس از رسیدن به امامت و حکومت. *پژوهش‌نامه علوی*، ۳(۱)، ۹۱-۱۱۶.
- سقای بی‌ریا، محمدناصر، آذربایجانی، مسعود و کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۵). اقتراح: تربیت اخلاقی؛ عوامل، موانع و روش‌ها. *راه تربیت*، ۲(۱)، ۱۱-۲۷.
- شریعتمداری، علی (۱۳۶۹). اصول و فلسفه تعلیم‌وتربیت. تهران: امیر کبیر.
- شهریاری، روح‌الله (۱۴۰۲). مبانی و اصول رشد اخلاقی خانواده تراز تمدن نوین اسلامی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب. *مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی*، ۳(۵)، ۲۱۳-۱۳۲.
- صدری افشار، غلامحسین، حکمی، نسرين و حکمی، نسترن (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی دو جلدی. تهران: فرهنگ معاصر.
- طالبی‌نیا، سعید (۱۳۸۶). عبرت‌های اندلس. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تصحیح: فضل‌الله یزدی و هاشم رسولی. تهران: ناصرخسرو.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). فروق اللغة. بیروت: الأفاق الجدیدة.
- عنایه، غازی حسین (۱۴۱۱ق). اسباب النزول القرآنی. بیروت: دار الجیل.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). اللعین. قم: هجرت.
- فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۴). اصول و فلسفه تعلیم‌وتربیت. تهران: جهاد دانشگاهی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

گوهری مقدم، ابوذر و بیگی، علیرضا (۱۴۰۰). تجزیه و تحلیل اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب. *دانش سیاسی*، ۱۱(۱)، ۲۹۱-۳۲۰.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مستقیم، مهدیه السادات و مرتضوی، نسیم سادات (۱۴۰۳). رویکردی قرآنی به اصول مهندسی تبلیغ عفاف و حجاب در دانشگاه‌های اسلامی با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۸(۲)، ۷۳-۹۴.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). *نظریه سیاسی اسلام*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). *فلسفه تعلیم تربیت اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۹). اصول و مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب. *حکومت اسلامی*، ۲۵(۱)، ۱۱۳-۱۳۴.

ولی‌زاده، محمد مهدی، ولی‌زاده، ابوالقاسم و مرندي، زهرا (۱۴۰۰). اصول و مؤلفه‌های پژوهش تمدن‌ساز در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. *تاریخ*

فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۲(۴۳)، ۷-۳۰.

Laidler, Paweh (2016). GOOD LAW VERSUS BAD LAW: CIVIL DISOBEDIENCE DURING THE DESEGREGATION PROCESS IN THE UNITED STATES OF AMERICA. *Politeja*, 13(45), 27-42. <https://doi.org/10.12797/Politeja.13.2016.45.02>.

Lindbeck, Assar (2006). An Essay on Economic Reforms and Social Change in China. *Institute for International Economic Studies, Stockholm*. <https://documents.worldbank.org/en/publication/documents-reports/documentdetail/823571468018625606/an-essay-on-economic-reforms-and-social-change-in-china>.